

نگار

زمستان ۱۳۷۶

تبریز

مدرسه محمدیه تبریز و تدریس مشروطه / رحیم رئیس نیا
 پروژه ای برای احیای تبریز / محمد حریری اکبری
 تبریز دموکرات / کاوه بیات
 اقبال مکتب هنری تبریز / سیدعلیرضا میرعلی نقی
 ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سده اخیر
 / کامران صفا منش، بهروز منادی زاده، یعقوب دستچیان
 گنجینه فنون / سید فرید قاسمی

مقالات :

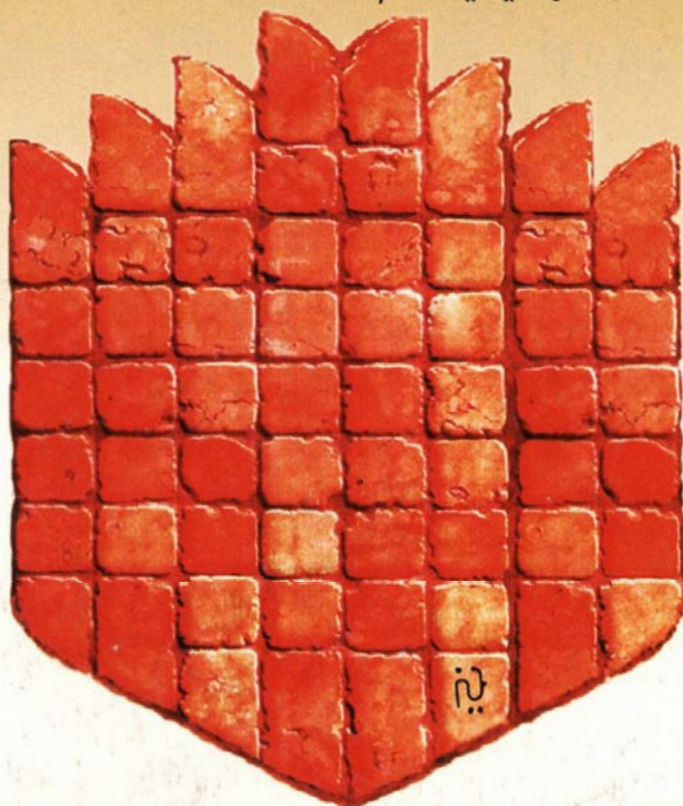
- چپ اسلامی و آزمون مجدد قدرت / مراد ثقفی
- اسلام گرایان و مسئله خشونت در مصر / حمید احمدی
- نقدی بر مقاله خدایپرستان سوسیالیست / حسین راضی

کتابخانه :

- نیم گویی های رفیق ارشیر،
- موعظه های اخلاقی
- و تحدید قدرت سیاسی،
- تحولات جدید
- در آرشیو های شوروی

روزنامه :

- ندایی از سولدوز،
- پیک خزر، خلیج فارس
- در هزاره جدید



کامران صفامنش
یعقوب رشتچیان
بهروز منادی زاده

ساختار کالبدی شهر تبریز و تحول آن در دوره اخیر

نوشته ای که در بی می آید، با هدف بررسی دگرگونی ها و تحولات ساختار شهری بخشی از بافت قدیم مرکز شهر تبریز، در گذشته اخیر تدوین شده است. از این رو، تاریخ عمومی شهر تبریز در یک نگاه گذرا و در حد یک درآمد کوتاه مطرح شده و توجه اصلی نوشته، به تاریخ تحولات ساختار شهری در یکصد و پنجاه سال گذشته معطوف گردیده است.

بر خلاف بررسی های متداول شهرشناسانه، که تاریخ عمومی را بسیار مورد توجه قرار می دهند و در برابر، پیشینه شکل شهر و تغییر و تحولات تاریخی ساختار شهری را به اختصار برگزار می کنند، این نوشته بر آن است که فشرده ای از تاریخ شکل گیری ساختار شهری و دگرگونی های آن در چند سده گذشته را ارائه کند. به همین دلیل، در تهیه این مقاله بررسی و تجزیه و تحلیل نقشه های تاریخی رکن اصلی مطالعات قرار گرفته و از اسناد و مدارک نوشتاری در رابطه با آن استفاده شده است. بدین ترتیب بسیاری از استنتاج های مربوط به دگرگونی های کالبدی-عملکردی بافت شهری، از راه مقایسه و تطبیق نقشه های موجود به دست آمده است.^۱

افزون بر این، بررسی و برداشت میدانی، نقش بسیار مؤثری در تدوین این نوشته داشته است. این مهم، از یک سو از طریق انطباق و مقایسه اطلاعات روی نقشه ها با وضع موجود؛ و از سوی دیگر از طریق مصاحبه با افراد آگاه در محل و تهیه شناسنامه برای ساختمان ها و قطعه های ملکی دارای پیشینه تاریخی به انجام رسیده است.

درآمدی کوتاه بر تاریخ تبریز

درباره قدمت تبریز نظرات گوناگونی ابراز شده است، تا آنجا که برخی از محققان پیدایش آن را از زمان مادها دانسته اند. مینورسکی تسمیه تبریز را با جنبش های آتشفشانی کوه سهند مرتبط دانسته و نام گذاری شهر را به قبل از دوره ساسانی و شاید اشکانی نسبت داده است. حمدالله مستوفی در نزهة القلوب (۷۳۰ق/۱۳۴۰م) بنای تبریز را به سال ۱۷۵ق/۷۹۱م به زبیده خاتون همسر هارون الرشید نسبت داده است که شاید ناشی از آن باشد که پس از مصادره املاک امویان اراضی این بخش از آذربایجان به زبیده رسید. لیکن آشکار است که شهر تبریز تا پیش از گزیده شدن به پایتختی ایلخانان در عهد اباقاخان و پسرش سلطان محمود غازان خان (۶۹۲ق/۱۲۹۵م)، یکی از شهرهای نه چندان بزرگ آذربایجان به شمار می رفت، چرا که شرایط بین منطقه ای و بین المللی برای تبدیل شدن آن به یک شهر بزرگ، تا آن زمان مهیا نشده بود. کثرت وقوع زمین لرزه و شدت ویرانگری آن یکی از ویژگی های تبریز به شمار می رود. اما پس از هر یک از این زمین لرزه های مهیب تبریز بار دیگر زندگی را از نو آغاز کرده است.

در عهد غازان خان، تبریز به اوج رونق و شکوفایی تاریخ خود رسید و به یکی از مهم ترین کانون های سیاسی-بازرگانی آن روزگار تبدیل شد. توجه باید داشت که اهمیت یافتن تبریز با دگرگونی شرایط جغرافیای سیاسی و اقتصادی جهان که پس از حمله مغول روی دادی ارتباط نبوده است. زیرا پس از آن بود که مدنیت در اطراف دریای سیاه بارور شد و رابطه بازرگانی میان شرق و غرب فزونی گرفت و به تناسب آن تبریز که بر سر راه شرق به غرب بود اهمیت یافت. جالب توجه است که تبریز بلافاصله پس از مرکزیت یافتن مراغه در زمان هلاکو خان به پایتختی گزیده شد، که این امر از فزونی اهمیت غرب آذربایجان پس از حمله مغول حکایت می کند.

راه بازرگانی معروف جاده ابریشم که تا پیش از این دوره، از ری به زنجان و از آنجا به اردبیل و سپس به قفقاز می رفت، از طریق میانه و اوجان به تبریز وصل شد و با عبور از مرند و خوی به قلمرو امپراتوری عثمانی رسید و از طریق استانبول به اروپا وصل شد. پیش از این، راه ارتباطی اصلی تبریز، جاده ای بود که از سمت شرق به سراب و سپس به شهر اردبیل مرکز ایالت آذربایجان می رسید و از غرب، پس از عبور از مراغه، به شاخه جنوب غربی جاده ابریشم، که ری را از طریق همدان و کرمانشاه به بغداد وصل می کرد. می پیوست. به این ترتیب، تبریز به یکی از مهمترین کانون های واقع بر شاهراه بازرگانی پر اهمیتی تبدیل شد که از شرق به چین و از غرب و شمال غرب به عثمانی و اروپا وصل می شد و شاخه جنوبی آن نیز به بغداد، مرکز حکومت اسلامی آن روزگار، می رسید.

در سایه داد و ستد دو سویه میان جاده ابریشم و شهر تبریز، گسترش شهر به حدی رسید که طول باروی شهر، که در سده پنجم و به استناد سفرنامه ناصر خسرو ۶۰۰۰ گام بود در دوره حکومت غازان خان به ۲۵۰۰۰ و به روایتی به ۵۴۰۰۰ گام (چهار فرسنگ و نیم) رسید که ده گز پهنا داشت،

چنان که تمامت باغات و عمارت حوالی و دیه‌ها و ولیان کوه و سنجانان داخل آن بارو بود و قبل از آنکه این بارو تمام شود غازان خان درگذشت، و گویا باروی غازانی (ساخته شده در ۷۰۲ق) محیط باروی اولی و محلات آن بوده است.

این بارو، بی تردید دو مجموعه پیرامونی تبریز، ربع رشیدی و «شنب‌غازان» و باغ‌ها و بوستانهای گسترده واقع در حد فاصل این دو مجموعه و شهر مرکزی تبریز را نیز در بر می‌گرفته است. در مرآت البلدان ذکر شده است: «قلعه‌ای که غازان خان... برای تبریز بنا نمود دارای پنج دروازه بزرگ و هر دروازه رو به جانب جاده بزرگ شهری باز می‌شده... عرض دیوار این قلعه را ده ذرع و طول آن را پنجاه و چهار هزار قدم و محیط به محلات چرنداب و سرخاب و بیلان کوه و باغات نوشته‌اند». ربع رشیدی یک شهرک دانشگاهی بود که به دستور خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر غازان خان، در سمت شرقی شهر تبریز، در نزدیکی «قلعه» ساخته شده بود. شنب‌غازان ابتدا مکان قصری بود که ارغون در قریه شام (واقع در غرب شهر و در کرانه چپ آجی‌چای) بنا کرده بود و غازان خان در ورود به شهر در آنجا اقامت گزید و در طول دوران پادشاهی خویش عمارات بسیار در آنجا کرد، چنانکه این مجموعه کارکرد سیاسی-اداری یافت و عاقبت نیز مدفن غازان خان شد. امروزه نیز در محل مجموعه شنب‌غازان، یکی از محله‌های شهر تبریز که به همان نام معروف است و در گویش مردم «شام‌غازان» گفته می‌شود قرار دارد.

پس از دوره ایلخانی تبریز همواره به عنوان یکی از شهرهای بزرگ و مهم کشور مطرح بود. درباره تبریز دوره صفویه شاردن می‌نویسد: «... تبریز بزرگترین شهرهای ایران و بعد از اصفهان چه از حیث عظمت و جمعیت و چه از لحاظ مکتب و تجارت اول شهر این مملکت است. این شهر بارو و حصاری ندارد و به نه محله منقسم است... اگر عماراتش عالی نیست ولی بازارهایش از سایر بلاد آبادتر و سقف‌های آن بلندتر است. آمد و شد مردم در این بازارها و کثرت مال‌التجاره دلیل بر کمال آبادی شهر است... مال‌التجاره این شهر به اغلب بلاد عثمانی و مسکو و تاتارستان و هندوستان و سواحل دریای سیاه صادر میشود... وی جمعیت شهر را دست کم ششصد هزار نفر ذکر کرده است.

شهر تبریز از دوره فتحعلیشاه، از یک سو به دلیل اقامت ولیعهد قاجاری در آن و از سوی دیگر به خاطر نزدیکی به قفقاز، گرجستان و عثمانی، به صورت کانون مبادلات فرهنگی و اقتصادی میان ایران با کشورهای همسایه شمالی و شمال غربی درآمد. گذشته از آن با وقوع جنگ‌های ایران و روس تبریز اهمیت نظامی و سیاسی یافت و نه تنها از طرف دولت ایران بلکه از سوی قدرتهای خارجی آن دوره یعنی انگلستان، روسیه، فرانسه و عثمانی مورد توجه خاص قرار گرفت. از این زمان عباس میرزا با استقرار در تبریز برنامه سازماندهی ارتش ایران را به شیوه غربی آغاز کرد. وی جبهه‌خانه و کارخانه توپ‌ریزی به راه انداخت که این مقدمه‌ای برپا گرفتن صنایع جدید و ارتباط بیشتر با قفقاز و گرجستان و

استانبول شد. بدین ترتیب شهر تبریز از این زمان تا پایان قاجاریه به عنوان مهمترین شهر کشور پس از تهران مطرح شد و در نیمه دوم حکومت قاجاریه و در جریان انقلاب مشروطیت، به عنوان شهری پیشرو در آزادیخواهی نامی بلند یافت.

ساختار بافت شهری تبریز تا پیش از سال‌های دهه '۱۳۰۰ شمسی

تبریز در دوره قاجاریه، که آنرا سلف مستقیم تبریز امروزی می‌توان دانست، شهری است که نیروی حیاتی خویش را به طور عمده از سه عامل رونق بازرگانی و مرکزیت نظامی و سیاسی کسب می‌کرده است، و این امر معلول موقعیت جغرافیایی این شهر از لحاظ ارتباط دادن ایران و آسیا با روسیه، عثمانی و اروپاست. بازتاب کالبدی سه عامل یاد شده را در پیکر شهر نیز به آسانی می‌توان دید: بازاری بزرگ و ثروتمند، دیوانخانه‌ای گسترده و سربازخانه‌ها و مراکز نظامی چند در پیرامون هسته مرکزی شهر.

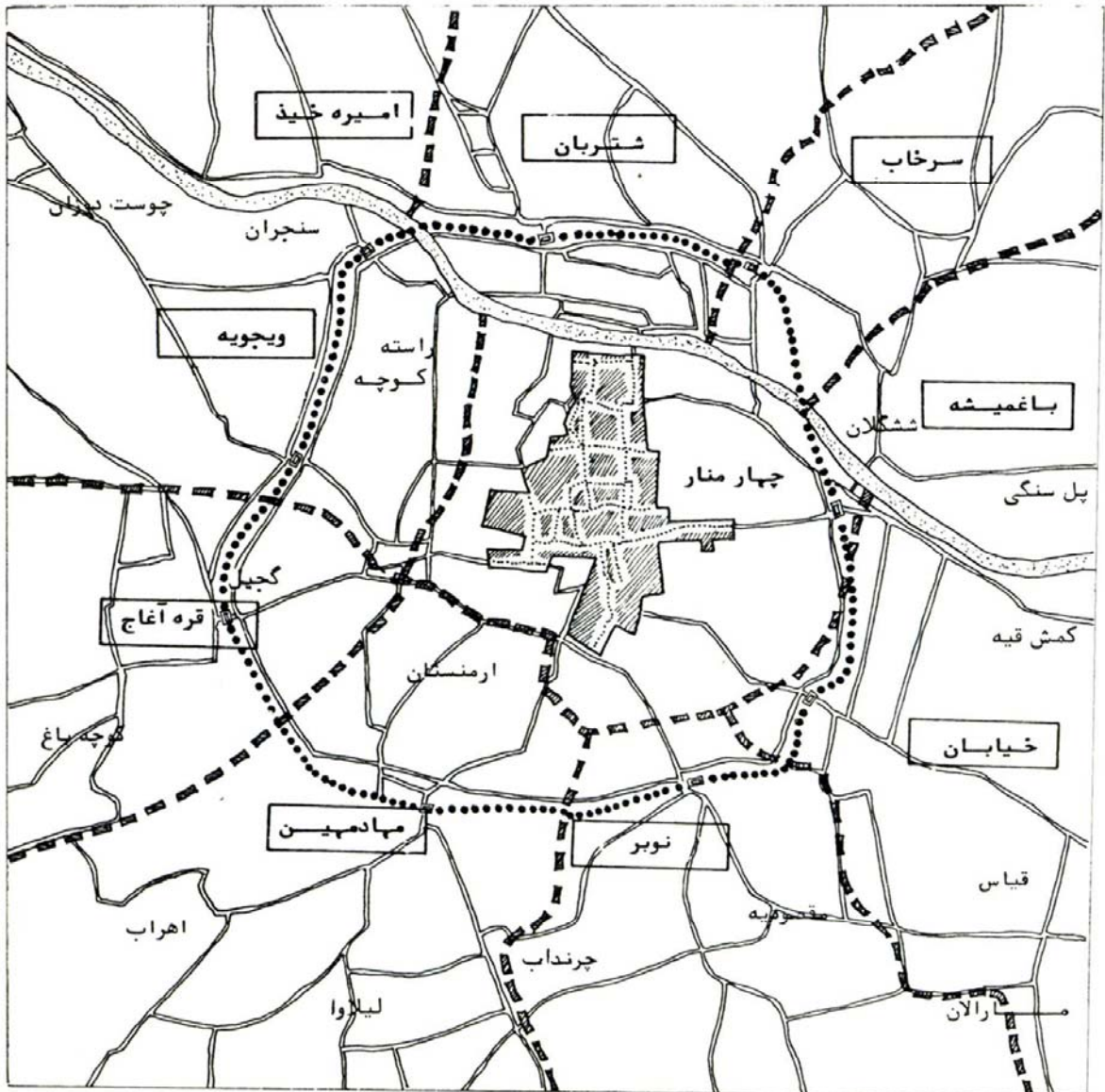
مهم‌ترین راه‌هایی که استخوانبندی اصلی شهر را تشکیل می‌دهند یکی راه واصل از دروازه خیابان به دروازه شتربان است که در مسیر راه بین قاره‌ای آسیا به اروپا یعنی جاده ابریشم واقع شده و دیگری که اهمیت کمتری دارد اما قدیمی‌تر است، مسیر میان دروازه گجیل و دروازه باغمیشه است که از شرق به سراب و اردبیل و از غرب به مراغه و کرمانشاه و عتبات و بغداد می‌رسیده است. گذشته از راه دروازه خیابان به دروازه شتربان که درست از درون بازار می‌گذرد، راه میان دروازه نوبر به دروازه استانبول که در داخل شهر کم و بیش به موازات آن یک حرکت می‌کند نیز همان نقش را داشته است، با این تفاوت که این راه اخیر از مسیر طولانی‌تری با گذشتن از حاشیه بازار فاصله دو دروازه را طی می‌کند.

محور جنوب شرقی-شمال غربی جاده ری-استانبول و محور شمال شرقی-جنوب غربی جاده اردبیل-مراغه، با اندک تغییری در راستا، در نزدیکی بافت مرکز شهر، به صورت دو محور شمالی-جنوبی و شرقی-غربی عمود بر هم درآمده‌اند و هسته مرکزی و بازار شهر، در نقطه برخورد آنها شکل گرفته و در طول زمان گسترش یافته است.

هسته مرکزی شهر، محدوده نزدیک به چهارصد هکتاری درونی‌ترین بخش بافت شهر است که در پیرامون مجموعه بازار تبریز قرار دارد و آخرین باروی شهر، تمام گستره آن را در میان می‌گرفته است. آخرین باروی شهر تبریز، که دو دروازه آن هنوز پابرجاست و محدوده شناخته شده‌ای دارد، بارویی بود که پس از آخرین و شدیدترین زلزله تاریخ تبریز (در واپسین شب سال ۱۱۹۳ق/ژانویه ۱۷۸۰م)، در حدود سال ۱۲۲۴ق/۱۸۰۹م به وسیله نجفقلی خان دنبلی بیگلریگی تبریز، به گرد محدوده مرکزی شهر بنا شد و عباس میرزا به سال ۱۲۴۱ق/۱۸۲۵م در اطراف آن خندقی احداث کرد.

این بارو، که فقط محدوده مرکز شهر و به ویژه بازار و دیوانخانه را محافظت می کرد، هشت دروازه داشت که بر سر راه مسیرهای اصلی منتهی به مرکز شهر ساخته شده بود. این دروازه ها که نام آنها هنوز هم در گفت و گوهای روزانه مردم به کار می رود عبارت بودند از: دروازه خیابان و دروازه باغمیشه در شرق، دروازه سرخاب در شمال شرقی، دروازه شتریان (دَوچی قاپوسی) در شمال، دروازه استانبول (استانبول قاپوسی) در شمال غربی، دروازه گجیل (گجیل قاپوسی) در غرب، دروازه مهادمهین در جنوب و دروازه نوبر (نوبار قاپوسی) در جنوب شرقی باروی شهر.

جاده ری-استانبول در ابتدای ورود به شهر، پس از درب ری و در راستای مسیر وسیع و مستقیمی که بعدها «خیابان» نامیده شد، به سمت مرکز شهر، در نزدیکی «قورت میدانی» دو شاخه می شد. شاخه بالایی در همان راستای «خیابان» پیش می رفت و از چهار راه منصور امروزی به طرف غرب، پس از مسجد کبود کارکرد تجاری می یافت. این محور که هنوز هم به «بازار کهنه» معروف است، از طریق دروازه خیابان وارد هسته مرکزی شهر می شد. شایان ذکر است که مینورسکی احداث «خیابان» را مربوط به زمان شاه صفی صفوی ذکر کرده است. شاخه پایینی نیز از «قورت میدانی» به طرف



آرایش شعاعی محله های قدیمی در پیرامون هسته مرکزی شهر

غرب با کمی تغییر محور به سمت جنوب غربی، از لابه لای بافت مسکونی می‌گذشت و منطبق بر مسیر کوچه صدر و سپس کوچه حیدرزاده، در غرب گورستان نوبر و از طریق دروازه نوبر، به هسته مرکزی شهر می‌پیوست.

شاخه بالایی، پس از دروازه خیابان نیز به صورت بازار سر پوشیده و به نام «بازارچه رنگی» از درون بافت می‌گذشت و از طریق بازار امیر به مجموعه بازار مرکزی می‌پیوست. بعدها، دیوانخانه در نزدیکی این مسیر و چسبیده به شرق بازار شکل گرفت و در زمان عباس میرزا، ولیعهد قاجار نیز مسجد شازده (شهدای امروز) در لبه جنوبی این محور ساخته شد.

شاخه پایینی، پس از عبور از دروازه نوبر، به شکل یکی از گذرهای اصلی داخل هسته مرکزی، در راستای متمایل به شمال غربی از جنوب بازار می‌گذشت و به «دیک باشی» می‌رسید. ورودی بازار مرکزی، در بخش میانی این مسیر قرار داشت و از طریق دو محور دسترسی به بازار را تأمین می‌کرد: بازار شیشه گر خانه که در امتداد شمالی خود، در مدخل بازار امیر به شاخه بالایی می‌پیوست، و کوچه هفت کچلان که از مقابل ارگ علیشاه تا بازار امتداد داشت و بخش شمالی آن در نزدیکی مجموعه بازار، سر پوشیده بود.

جاده ری-استانبول در امتداد خود، به صورت دو راسته شمالی-جنوبی اصلی بازار، در شمال رودخانه «میدان چای» و مجاورت میدان صاحب‌آباد، همچنان از دو محور جداگانه، از محدوده مرکزی شهر خارج می‌شد. محور اصلی از طریق دروازه استانبول به طرف «پل آجی» در منتهی‌الیه شمال غربی شهر می‌رفت و محور فرعی‌تر، به شکل بازارچه شتریان، پس از دروازه شتریان، محله‌های شتریان و «امیرخیز» را می‌پیمود و به محور اصلی می‌پیوست و به شکل جاده بیرون شهری، به طرف استانبول امتداد می‌یافت. گذری که دروازه نوبر را به دیک باشی وصل می‌کرد از طریق میدان انگج و گذر پشت حصار، از یکی از دو دروازه استانبول و یا دروازه فرعی و بجوبه و از طریق پل منجم به محور پیش گفته جاده استانبول می‌پیوست.

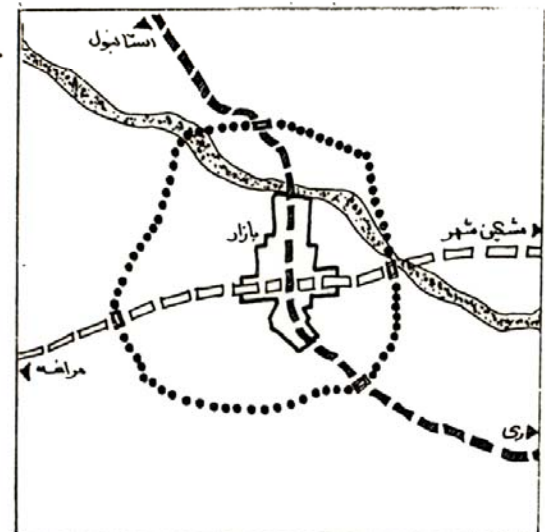
در دوره ولیعهدی عباس میرزا، به منظور انتقال سریع توپهای جنگی به میدان جنگ با روسیه، محور «راسته کوچه»، به صورت یک مسیر مستقیم از دیک باشی تا نزدیکی رودخانه میدان چای احداث شد و به این ترتیب گذر حد فاصل دروازه نوبر و دیک باشی، از مسیر مستقیم‌تر و نزدیک‌تری به دروازه استانبول ارتباط پیدا کرد. به دلیل مستقیم بودن امتداد این محور، گذر احداثی «راسته کوچه» نام گرفت.

جاده اردبیل-مراغه با امتداد شرقی-غربی، پس از پیمودن محله‌های باغ‌میشه و ششگلان در شرق هسته مرکزی، با عبور از روی «پل قاری» (پیرزن)، به دروازه باغ‌میشه می‌رسید. این دروازه که در شمال شرقی دیوانخانه قرار داشت و همراه با دروازه خیابان، تنها بازمانده‌های دروازه‌ها و باروی شهر به شمار می‌رود، به دلیل نزدیکی به مجموعه دیوانخانه، «باب عالی» یا «عالی قاپو» نیز نامیده

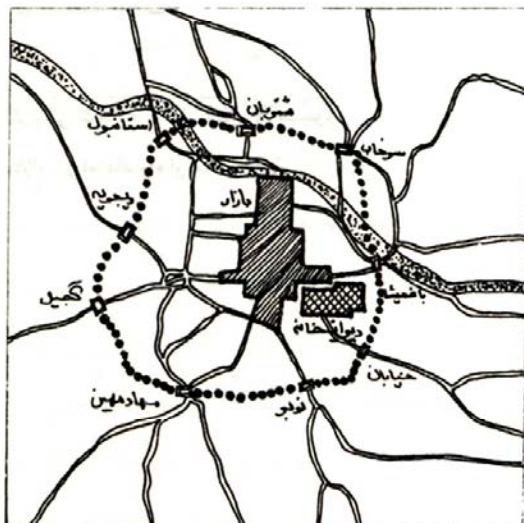
می شد.

گذر ارتباطی درون دروازه، از طریق کوچه حرمخانه وارد بازار حرمخانه می شد و در امتداد آن در مسیر بازار کفاش ها با دو راسته شمالی-جنوبی بازار تلاقی می کرد و پس از آن با نام بازار صفی در غرب مجموعه بازار به کوچه دیک باشی متصل می شد. کوچه دیک باشی، در حرکت به سمت غرب، در میدان انگج با گذر متصل به دروازه نوبر تلاقی کرده و از این پس با نام کوچه «دروازه»، به دروازه گجیل می رسید. امتداد این گذر در بیرون دروازه، با اندک تغییر محور به جنوب غربی، از بافت شهر خارج می شد و به شکل جاده بیرون شهری، به طرف مراغه امتداد می یافت.

راسته بازار حرمخانه، کفاشها و بازار صفی که بر روی محور شرقی-غربی اردبیل-مراغه شکل گرفته، همراه با محور موازی واقع در شمال آن با نام «قیزبستی بازار» اصلی ترین محورهای عرضی بازار هستند که مجموعه حکومتی دیوانخانه در شرق و مسجد جامع در غرب بازار را به هم می پیوسته اند. از محور شرقی-غربی، در نقطه تلاقی با راسته کوچه، شاخه فرعی دیگری منشعب می شد که از طریق میدان و بجویه به دروازه فرعی و بجویه می رسید و امتداد آن به پل منجم وصل می شد. در بخش غربی این گذر نیز، گذر نعلچیگران و کوچه میارمیار که دو دروازه مهادمهین و گجیل را به هم متصل می ساخته همراه با کوچه پستخانه که با انشعاب از میارمیار، دروازه مهادمهین را



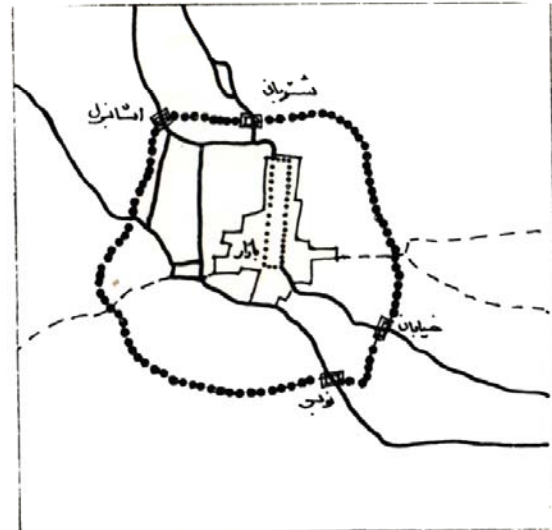
کروکمی شماره ۱- شکل گیری هسته مرکزی شهر در محل برخورد دو راه ارتباطی مهم



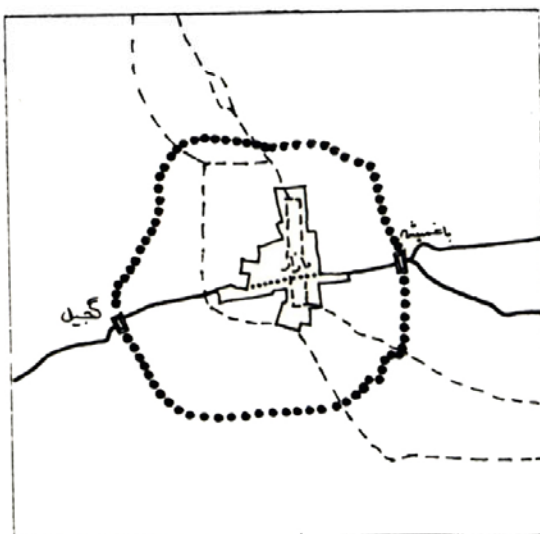
کروکمی شماره ۲- بارو و دروازه های پیرامون هسته

به گذر حد فاصل دیک باشی و دروازه نویر و از طریق کوچه انجمن به بازار مرکزی می پیوسته، از محورهای ارتباطی مهم به شمار می روند. اهمیت ارتباطی-بازرگانی جاده ری-استانبول در مقایسه با جاده اردبیل-مراغه سبب گسترش محور اصلی بازار در راستای شمال-جنوب شده، تا جایی که، بازار در امتداد این محور از رودخانه گذشته و در شمال آن توسعه یافته است.

در داخل بارو، علاوه بر گذرهای اصلی که دروازه ها را از طریق گذرهای شعاعی به مجموعه بازار وصل می کرد، یک گذر حلقوی تقریباً ممتد و پیوسته موازی با بارو، دروازه ها را به هم مربوط می کرد. از مهم ترین بخش های این گذر حلقوی، در قسمت شرقی، گذر متصل کننده دروازه خیابان به دروازه باغمیشه است که به صورت یک مسیر منحنی در حرکت به شمال، در نزدیکی رودخانه دو شاخه می شد. شاخه شمالی-جنوبی از طریق پل و کوچه «ملاباشی» به دروازه سرخاب می رسید و شاخه شرقی-غربی نیز به بازار می پیوست و راسته «درب عباسی» در امتداد آن شکل گرفته است. همچنانکه گفته شد این بارو فقط بخش مرکزی شهر را در بر می گرفت و بسیاری از محله های تاریخی شهر مانند خیابان، مارالان، چرنداب، اهراب، امیرخیز، شتربان و ششگلان در بیرون آن قرار داشتند. از همین رو، در اثر بازسازی سریع شهر در سال های پس از زلزله، بارو کارکرد حفاظتی خود را از دست داد. با این همه، بارو تا سال ۱۲۴۳ ق/ ۱۸۲۸ م که ایران در جنگ با روسیه شکست خورد و سپاه روس تبریز



کروکی شماره ۳- شکل گیری محورهای شمالی-جنوبی بازار در امتداد راه ارتباطی اصلی



کروکی شماره ۴- تبدیل راه ارتباطی شرقی-غربی به محور

را اشغال کرد، پابرجا بود و از این زمان رو به تخریب رفت. درباره حدود شهر تبریز به نقل از سفرنامه بازرگانی سوئسی که در حدود ۱۲۸۴ق/۱۸۶۷م تبریز را دیده در مرآت البلدان چنین آمده است که: «تبریز عبارت از دو شهر است: یکی خارج و یکی داخل. شهر داخل به واسطه حصنی که دارد مستحکم به نظر می آید. ولی استحکامی ندارد. با وجود بروج مدور و ارگ ها که جای آلات و ادوات حرب بوده و نیز با وجود خندق و دو حصار، دفع دشمن به طوری که باید نمی توان کرد و حصار شهر داخل را دروازه های متعدد هست. . . بیرون دروازه ها آبادانی هاست که مثل شهری شده است و از هر طرف محیط به دیوار شهر داخلی می باشد.»

عامل دیگر در خنثی شدن نقش کارکردی بارو و نتیجتاً تخریب آن، رشد بسیار سریع جمعیت شهر و توسعه آن در اثر این افزایش پس از جنگ های اول و دوم ایران و روس بوده است. در حالی که تنکوانی در ۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م جمعیت شهر را بین پنجاه تا شصت هزار و دویست در ۱۲۲۴ق/۱۸۰۹م چهل هزار نفر ذکر کرده است. آمار سال ۱۲۵۸ق/۱۸۴۲م ساکنین شهر را نه هزار خانوار و از صد تا صدویست هزار نفر نشان می دهد. در واقع جنگ های ایران و روس باعث شد که جمعیت بسیاری از ولایات قفقاز که ضمیمه خاک روسیه گردید به تبریز مهاجرت کنند و از آنجا که شهر در داخل بارو گنجایش اسکان این همه جمعیت را نداشت ناگزیر در اطراف توسعه یافت.

محله بندی تاریخی بافت شهری

گستره بافت شهری تبریز، از دیر باز به شماری محله تقسیم شده است. بی گمان شماره، محدوده و نام محله ها، طی تاریخ طولانی شهر، بارها تغییر یافته است. برای نمونه، یک جهانگرد ترك در سده ۱۷ میلادی، تبریز را متشکل از یازده محله با نام های زیر می داند: دمشقیه، پل باغ، میخواران، زرجو، شتربان، دیک، خیابان، امیره قیز، سرخاب، چارمنار، ری. تردیدی نیست که زرجو همان «ورجی» (ویجویه) است که به این صورت نوشته شده است. اما دانسته نیست که کدام محله ها را در آن روزگار «پل باغ»، «میخواران» و «ری» می نامیده اند. در مقابل، این جهانگرد از محله های بسیار قدیمی چون «چرنداب»، «اهراب»، «نوبر»، «مهادمهین»، نامی نبرده است. در هر صورت، محله بندی بافت شهر، از دوره زندیه به این سو، کم و بیش همان است که امروزه قابل شناسائی بوده و یک آرایش شعاعی از مرکز شهر رو به بیرون دارد.

محدوده مرکزی شهر که مجموعه بازار، دیوانخانه، مسجد جامع و بافت پیرامون آنها را در درون باروی شهر در بر می گرفت. در جنوب رودخانه «میدان جای»، محله «چهار منار» نامیده می شد. تنها بخشی کوچکی از محدوده درون بارو، در لبه های شمالی، غربی و جنوب غربی، جزو محله های دیگر به شمار می رفت. بخش شمال رودخانه، جزو محله شتربان بود و قسمت کوچکی در شرق آن نیز در محدوده محله «سرخاب» قرار داشت. در بخش غربی محدوده درون بارو، کوی

«راسته کوچه» قرار داشت که بخشی از محله «ویجویه» به شمار می‌رفت و در بخش جنوب غربی نیز کوی «ارمنستان» از محله «مهادمهین» قرار گرفته بود. به احتمال بسیار، این دروازه‌ها، نقاط ورود و خروج محله‌های پیرامونی به محدوده مرکز شهر بوده‌اند و نه دروازه‌های ورودی و خروجی شهر. این احتمال با توجه به این واقعیت که بجز محله مرکزی «چهار منار»، همه محله‌های شهر در بیرون از بارو قرار داشته‌اند تقویت می‌شود. اهمیت مجموعه بازار و نقش آن در موجودیت شهر از یک سو، و قرار داشتن مجموعه دیوانخانه در بخش مرکزی شهر از سوی دیگر، ضرورت ایجاد بارویی در پیرامون هسته مرکزی را موجه می‌نمایاند. اما گفته شده است که در روزگار اوج رونق شهر در دوره ایلخانان، هر محله دارای باروی جداگانه بوده و باروی اصلی شهر نیز، همه محله‌ها را در میان می‌گرفته است.

در همین زمینه، جهانگردان به وجود ده دروازه (حمداله مستوفی) و شش دروازه (همان جهانگرد ترك پیش گفته) اشاره کرده‌اند. جهانگرد ترك، شش دروازه شهر را این چنین نام می‌برد: دروازه اوجان، دروازه سروان، دروازه سردرود، دروازه شام‌غازان، دروازه سرآو، دروازه ری.

از نام این دروازه‌ها چنین بر می‌آید که در بیرونی‌ترین حد شهر و در مبادی ورودی خروجی اصلی شهر قرار داشته‌اند. دروازه «اوجان» در شرق شهر بر سر راه تبریز-اوجان قرار داشته، دروازه «سرآو»، که «سرو» نیز خوانده می‌شد و همان «سرآب» امروزی است، ورودی شمال شرقی شهر بوده، دروازه «ری» در جنوب شرقی شهر واقع بوده، دروازه «شام‌غازان» ورودی غربی شهر به شمار رفته و دروازه «سردرود» (یا سرد) نیز، بر سر راه تبریز-مراغه (که از روستای سر درود می‌گذرد) در جنوب غربی شهر قرار داشته است. به این ترتیب می‌توان گمان برد که دروازه «سروان» نیز احتمالاً در شمال غربی شهر جای داشته است. بازتاب وجود باروهای جداگانه برای محله‌ها را، در نام «ایکی قالا آراسی» به معنای (میان دو قلعه)، که هنوز هم در تبریز متداول است می‌توان دید.

به رغم دگرگونی‌های بسیاری که در اثر اقدامات گوناگون در بافت شهری تبریز رخ داده، نظام محله‌بندی تاریخی آن، دست کم در حد کاربرد نام‌ها و وابستگی ذهنی شهروندان به محله‌ها و کوی‌ها، هنوز کارآیی خود را از دست نداده است. در این چارچوب، در بافت شهری تبریز، نه محل اصلی قابل شناسائی است. محله‌های همجوار اگر چه با مرزبندی مشخصی از هم جدا نمی‌شوند، ساختار کالبدی آنها هنوز هم در شکل گذرهای اصلی و فضاهای شهری عمده و کوی‌های داخلی هر محله پابرجاست.

باغمیسه. در شرق شهر و بالای رودخانه قرار دارد. «بیلانکوه»، «قله»، «پل سنگی» و «ششکلان» از کوی‌های آن به شمار می‌روند.

خیابان. بخش‌های واقع در جنوب رودخانه در شرق شهر که تا جنوب شرقی نیز می‌رسد. از کوی‌های آن می‌توان «مارالان»، «غیاث» (قیاس) و «کمش قیه» (دمشقیه) را نام برد.

نوبر. بخش‌های جنوبی بافت شهر را در غرب «خیابان» در بر می‌گیرد. قسمت بسیار کوچکی

از آن در پیرامون دروازه نوبر در درون بارو قرار داشته است و «مقصودیه» شناخته شده‌ترین کوی آن است.

مهادمهین. بخش وسیعی از بافت شهری تبریز که در جنوب و جنوب غربی هسته مرکزی قرار دارد، محدوده این محله را تشکیل می‌دهد. کوی‌های متعددی مانند «چران‌دب» (چهار انداب)، «لیلاوا» (لیل آباد)، «اهراب» و «ارمنستان» بخش‌های آن به شمار می‌روند.

قره‌آغاج. گستره باغ‌ها و زمین‌های واقع در غرب شهر را در بر می‌گیرد بخشی از آن «کوچه باغ» نامیده می‌شود و در سمت غرب، بخش‌های «خطیب»، «آخونی» و «شام‌غازان» در محدوده آن قرار دارند. «درب گجیل» نیز بخش دیگری از محله بوده است.

ویجویه. در شمال قره‌آغاج قرار دارد. بخش شرقی آن در داخل بارو قرار داشته و «راسته کوچه» نامیده می‌شود. بخش دیگر محله «سنجران» نام داشته و در سمت غرب به بخش‌های «چوست دوزان»، «عموزین‌الدین»، «هکماوار» (حکم آباد) و «جامیشاوا» (گاو‌میش آباد یا جمشید آباد) می‌پیوندد. مینورسکی ذکر می‌کند که «سنجران» نام یکی از دروازه‌های ده‌گانه بارویی است که قبل از باروی غازانی بر گرد تبریز بوده است.

امیره خیز. بخش‌های شمال رودخانه میدان چای را در سمت شمال غربی شهر در بر می‌گیرد. شتربان (دوچی). بخش وسیعی از بافت شهری واقع در شمال رودخانه میدان چای، حد فاصل رودخانه و کوه عینعلی، محدوده این محله را تشکیل می‌دهد. بخش شمالی مجموعه بازار در بالای رودخانه، به شکل میدان صاحب‌آباد و بازارچه شتربان، قسمتی از این محله است که درون باروی شهر قرار داشته است.

سرخاب. در شمال شرقی هسته مرکزی شهر در حد فاصل محله‌های شتربان و باغمیشه قرار دارد.

نام «سرخاب» که هم به کوه سرخ رنگ شمال شهر (کوه عینعلی) و هم به محله واقع در دامنه آن گفته می‌شود، بی‌تردید بر گرفته از سیلابهای سرخ‌رنگی است که از کوه سرازیر شده و با عبور از محله سرخاب، به رودخانه می‌ریزد. گفته می‌شود که نام دوچی (شتربان)، به دلیل سکونت بازرگانان ثروتمندی که بیشتر آنها دارای شتر برای حمل کالا بوده‌اند، به این محله اطلاق شده است. درباره نام «میارمیار» گفته می‌شود حمدالله مستوفی نام قدیم محله را به دلیل مناری که برای روشنایی شبانه در مرکز محله قرار داشت، «منارمیان» و «نارمیان» آورده و این نام رفته رفته در گویش روزانه مردم به شکل میارمیار درآمده است.

شماری از نام‌ها، منسوب به اشخاص نامدار تاریخی است. برای نمونه «مقصودیه» بازمانده از عمارتی به همین نام است که از آثار مقصودیگ‌بن حسن پادشاه آق‌قویونلو بوده است. بنای محله «خطیب» به خطیب تبریزی معروف به صدرالدین برادر تاج‌الدین تبریزی منسوب است. نام «دمشقیه»

نیز بازمانده از باغ و عمارتی به همین نام است که توسط «بغداد خاتون» دختر «امیرچوپان» به نام برادرش «دمش خواجه» بنا شده بود. هر چند که دلیل بسیاری از نام گذاری‌ها ناشناخته است و معنای نام‌هایی مانند «گجیل»، «اهراب» و برخی دیگر هنوز پنهان مانده است، اما براساس نظریات محققانی چون دکتر یحیی ذکاء، درباره شماری از این نام‌ها توضیحاتی می‌توان ارائه داد، مثلاً می‌توان گفت: نام‌های «مهادمهین» و «امیرخیز» و خاستگاه اصلی و شکل درست آنها آمده، به این نکته اکتفا می‌کنیم که شکل درست نام «مهادمهین»، «مادمیهن» به معنای جایگاه مادها است و نام «امیرخیز» نیز در اصل «امیره خیز» به معنای کشتزار یا سبزه زار امیر بوده که در تلفظ بومی نیز به همین شکل گفته می‌شود. اما درباره نام‌هایی چون «ششگلان»، «لیلاوا»، «ویجویه» و «باغمیشه» نظریاتی به شرح زیر وجود دارد.^۲

ششگلان. در دامنه‌های کوه سرخاب، بر روی تپه ماهورهای قرار گرفته است که با بریدگی‌های متعدد از هم جدا می‌شوند. در میان این بریدگی‌ها، مردم با شاخ و برگ راه آب را بسته و با ایجاد آبگیر، آب را به کشتزارها هدایت می‌کردند. این آبگیرها در زبان آذری قدیم «سل» و آبی که از آن خارج می‌شد «سلاّب» نام داشت. برای هدایت آب اضافی سل (آبگیر) به رودخانه، نقب‌هایی در زیر زمین حفر شده بود که از زیر اراضی محله سلاّب‌های اضافی را به رودخانه می‌ریخت. این نقب‌ها در زبان آذری قدیم، «کهل»، «کول» یا «کیل» نامیده می‌شد و هر یک از دو سل اصلی یاد شده، دارای سه کیل بود. به این ترتیب، محله ششگلان که بر روی شش کیل قرار داشت، شش گیلان یا «شش کهلان» نامیده می‌شد و به مرور به «ششگلان» تبدیل شده است.

لیلاوا. آب قناتهای اصلی این محله به دلیل صاف بودن و جنس نیلی رنگ آبروها، آبی بوده و از همین رو محله را «نیل آبه» نامیده‌اند. این نام در گویش مردم، رفته رفته به «لیلابه» و «لیلاوا» تغییر شکل داده است.

ویجویه. این نام که «ورجی» نیز گفته می‌شود، در اصل «ورجویه» بوده است. بسیاری از تبریزی‌ها، حرف «ر» را «ی» تلفظ می‌کنند و به همین دلیل نام «ورجویه» به معنای کنار جوی یا نزدیک جوی در تلفظ روزمره به «ویجویه» تبدیل شده است.

باغمیشه. این نام در گویش تبریزی «باغمشه» گفته می‌شود. «مشه» در زبان آذری به معنای جنگل و بیشه است. باغ نیز در اصل «بغ» بوده که در زبان فارسی به معنای خداست. بنابراین شکل درست این نام، «بغ مشه» به معنای «بیشه زار خدا» بوده است که با توجه به وجود آتشکده «قله» پذیرفتنی می‌نماید.

نکته ای که در اینجا باید یادآور شد استقرار شهر تبریز در زمین‌های پست دره ای است که پیرامون آن را کوه‌های بلند فرا گرفته‌اند. در دوره پیش از اسلام، این دره و شهر تبریز با چهار آتشکده مشخص می‌شده است. سه تای این آتشکده‌ها، بر فراز کوه‌ها و بلندی‌های پیرامون مشرف به شهر قرار داشته‌اند: یک آتشکده بر «قله» واقع بوده است. آتشکده دیگر، در کوه‌های «یانوق» در جنوب

تبریز بود. نام «یانوق» که در زبان ترکی آذربایجانی، به معنای سوخته و نیز روشن و در حال سوختن است، بی ارتباط با آتشکده و آتش روشن درون آن نیست. سومین آتشکده، برفراز کوه «سرخاب» و در همان نقطه ای که در میان عوام به مقبره «عون بن علی» معروف است قرار داشت.

پیشینه تاریخی «قله» و بخش های پیرامون آن که در دوره ای جایگاه عارفان و خداجویان بوده و به قله اخی سعدالدین معروف بوده و محله پیرامون آن «بغانکوه» (والیانکوه و یابیلانکوه امروزی) نامیده می شده است نیز در ارتباط با وجود احتمالی آتشکده در آن، توجیه پذیرتر می نماید.

اقدامات شهرسازی و ساختار شهری جدید تبریز در سال های پس از دهه ' ۱۳۰۰

احداث خیابان های شهری

با روی کار آمدن حکومت پهلوی در آغاز سده چهارده هجری، در تبریز نیز همانند با دیگر شهرهای مهم کشور، اقداماتی در جهت تغییر سیمای کالبدی آن از یک شهر سنتی به شهری امروزی صورت می گیرد. نخستین اقدام در این زمینه، احداث خیابانهای عریض و مستقیم اتومبیل رو است که به عنوان مظهر تجدد و پیشرفت، همواره مورد استقبال مردم قرار می گیرد. نخستین خیابان احداث شده در تبریز، خیابان پهلوی است که در فاصله سال های ۱۳۰۵-۱۳۰۰ به دستور عبدالله خان طهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان احداث شده است. این خیابان که پس از انقلاب به نام خیابان امام خمینی (ره) نامگذاری شد، به عنوان مسیر ارتباطی میان جاده تهران-تبریز و تبریز-مراغه، از حوالی چهارراه منصور تا میدان «گونگاباشی» کشیده شده است. خیابان پهلوی در بخش شرقی بر بستر «خیابان» که از زمان قاجاریه جاده فراخ ورود به شهر بود و در بخش میانی بر جای باروی تخریب شده شهر قرار گرفت. بخش غربی این خیابان نیز از فضای باز جنوب گورستان گجیل عبور داده شد. این خیابان از شمال محوطه ارگ علیشاه می گذرد و دروازه های نوبر و مهادمهین همراه با بخش جنوبی باروی شهر در مسیر آن قرار داشته اند.

همزمان با احداث خیابان پهلوی، محوطه پیرامون ارگ علیشاه به باغ ملی و گردشگاه عمومی تبدیل شد. در مجاورت آن و در بخشی از زمین های محوطه ارگ در سال های بعد مرکز خدماتی و تفریحی مانند بیمارستان شیر و خورشید، سالن تاتر، دبیرستان، کتابخانه و... ساخته شد. در سال ۱۳۰۷ در گزارشی از این تحولات آمده است: «شهر تبریز دارای خیابان عالی و باغ قشنگی است که اهالی وقت غروب از هر طبقه برای تفریح و رفع خستگی از مشاغل روزانه خود به آنجا می روند و دو سینما در شهر تبریز دایر است...»^۳

در سال های بعد، خیابان پهلوی از دو سو امتداد یافته، از شرق به دروازه تهران و از غرب به جاده های مرند (در شمال غرب) و مراغه (در جنوب غرب) می پیوندد. بخش شرقی این خیابان،

منطبق بر بستر «خیابان» به دروازه تهران رسید. توسعه بخش غربی آن نیز با استفاده از مسیر حرکت گونگا (واگن اسبی) در حد فاصل میدان گونگاباشی و ایستگاه راه آهن انجام شد. خط واگن اسبی تبریز، برای انتقال مسافران از شهر به «واغزال» (ایستگاه راه آهن)، که در بیرون از شهر و در سمت غرب قرار داشت احداث شده بود. واغزال، نام روسی ایستگاه راه آهن تبریز-جلفا است که در فاصله سال های ۹۵-۱۲۹۰ ش/۱۹۱۶-۱۹۱۱ م، با سرمایه بانک استقراضی روس احداث شد. واژه های «گونگاباشی» و «واغزال» هنوز هم در گفتگوی روزمره مردم تبریز به کار می رود.

پس از احداث خیابان پهلوی، از سال ۱۳۰۶ اقدامات وسیعی در زمینه بازگشایی خیابان های متعدد منشعب از خیابان پهلوی آغاز شد. در سال ۱۳۰۷ محمدعلی تربیت به سمت شهردار تبریز منصوب شده و عملیات عمرانی مربوط به احداث چندین خیابان شمالی-جنوبی آغاز گشت. در گزارشی از این عملیات آمده است که «... این دو روزه مشغول امتداد خیابان نظامیه از محله نوبر و اتصال آن به خیابان پهلوی و افتتاح خیابان جدیدی که از خیابان پهلوی مقابل باغ ملت شروع و از بازار عبور کرده به محله شتربان می رسد و ایجاد خیابانی که خیابان پهلوی را به پل آجی متصل می نماید و امتداد خیابان فعلی گمرک از خیابان پهلوی به محله سرخاب هستند و خیابانی که سال گذشته بین خیابان پهلوی و ششگلان شروع شده بود این اوقات به اتمام رسیده...»^۴.

این خیابان ها که بعدتر به ترتیب شاهپور جنوبی، فردوسی، منجم، خاقانی و منصور (همنام با استاندار وقت آذربایجان علی منصور) نامیده شدند در فاصله سال های ۱۰-۱۳۰۷ که محمدعلی تربیت شهردار تبریز بود، تکمیل گردیدند. در همین دوره گذر حد فاصل دروازه نوبر و دیک باشی، تعریض و به نام شهردار وقت «خیابان تربیت» نامیده شد.

یکی دیگر از اقدامات شهرسازی برجسته دوران شهرداری محمدعلی تربیت، تبدیل گورستان نیمه متروکه گجیل به پارک شهر است، که عملیات اجرایی آن از سال ۱۰-۱۳۰۷، آغاز شده و در سال های بعد باغ گلستان نام گرفت. در سال پایانی این دوره، احداث خیابان شاه بختی (جمهوری امروزی)، حد فاصل خیابان خاقانی و فردوسی در دستور کار شهرداری قرار گرفت. در همین رابطه، روزنامه اطلاعات خبر می دهد: «... بلدیة شهر شروع به خاک ریزی خیابان مقابل عمارت ایالتی را نموده...»^۵ و چند ماه بعد در خبری دیگر آمده است: «... همچنین جهت ساختمان خیابان جلوی شمس العماره اقدام و مشغول کار هستند»^۶.

در سال های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ چهار میدان در چهار گوشه باغ گلستان ایجاد شد که در هر کدام، مجسمه یکی از پادشاهان نامدار گذشته را برپا کردند. در همین زمینه، روزنامه اطلاعات خبر می دهد: «به قرار اطلاع واصله از تبریز، بلدیة آنجا مقدمات نصب مجسمه های سلاطین بزرگ را در اطراف میادین جدید الاحداث آنجا فراهم نموده و برای ترتیب نصب آنها و فراهم بودن مقدمات این کار مراتب به وزارت داخله اطلاع داده شده و استجازه نموده اند که در صورت تصویب پیشنهاد بلدیة

شروع به نصب مجسمه‌های مزبور بنمایند»^۷.

برجسته‌ترین کار عمرانی این دوره، احداث ساختمان «ساعت» به عنوان شهرداری تبریز در محل گورستان متروکه نوبر است. عملیات اجرایی این پروژه که نقشه آن توسط مهندسان آلمانی تهیه شده بود، از سال ۱۳۱۴ ش/ ۱۹۳۵ م آغاز شد و چهار سال بعد به پایان رسید. اما تکمیل نهایی ساختمان، بر اساس خبری که در روزنامه اطلاعات آمده تا نیمه دوم سال ۱۳۲۰ به درازا کشید: «... عمارت شهرداری که بسیار باشکوه می‌باشد و در سال‌های اخیر ساخته شده برای تکمیل آن مشغول کار می‌باشند»^۸. بر روی لوح یادبودی که در کنار ورودی اصلی ساختمان مزبور در دیوار کار گذاشته شده، نام ساختمان «عقاب در حال پرواز» نوشته شده است. نقشه ساختمان از بالا، ضمن تأیید همانندی کلی شکل بنا با نام یاد شده، یادآور نقش عقاب به عنوان نماد حکومت آلمان دوره هیتلری و نشان دهنده خاستگاه سبک معماری ویژه به کار گرفته شده در این ساختمان نیز هست.

در همین تاریخ خیابان دانشسرا، از میدان دانشسرا تا خیابان منصور کشیده شد^۹. همچنین مقدمات احداث خیابان عباسی در محله ششگلان فراهم آمد: «در برزهای شمال شهر مثل ششگلان و ... جاهای بسیاری است که پرجمعیت می‌باشند و خیابانهای کوتاهی دارند. در برنامه جدید احداث خیابانی به طول شش کیلومتر در نظر گرفته شده که برزنها را از دروازه «اهر» به میدان پل شاهی خیابان خاقانی متصل می‌کند و مشغول نقشه برداری اماکن مسیر خیابان هستند»^{۱۰}.

به دنبال وقفه‌ای که در اثر جنگ جهانی پیش آمده بود، از سال‌های نیمه دوم دهه ۱۳۲۰ ش، دوره دیگری از اقدامات شهرسازی و فعالیت‌های عمرانی در تبریز آغاز شد. ساختمان استانداری در سال ۱۳۲۶، بر روی ویرانه‌های عمارت سوخته عالی قاپو و در مجاورت آن ساختمان‌های بانک ملی و اداره دارایی، در محل «جبه خانه» سابق احداث شد. در بخش شرقی زمین‌های دیوانخانه قاجاری چند واحد آموزشی ساخته شد و ساختمان شهربانی نیز در قطعه زمین باقیمانده از جبه خانه که در جنوب خیابان شاخ‌بختی قرار گرفته بود، احداث گشت.

مکانی که مجموعه اداری-سیاسی جدید شهر در آن ساخته شد، از دیرباز به عنوان دیوانخانه و مرکز حکومتی شهر تبریز شناخته می‌شد. مهم‌ترین بنای مجموعه دیوانخانه، عمارت عالی قاپو بود که در دوره حکومت زندیه، توسط نجفعلی خان پسرقلی خان دنبلی ساخته شده بود. این ساختمان که در آغاز «باب عالی» نامیده می‌شد، عمارت چهار طبقه‌ای بود که کلاه فرنگی بلندی بر فراز آن قرار داشت. در زمان عباس میرزا، با نام عالی قاپو به عنوان محل اقامت ولیعهد قاجاری مورد استفاده قرار گرفت و به هنگام ولیعهدی مظفرالدین میرزا، به تقلید از کاخ شمس‌العماره تهران، «شمس‌العماره» نامیده شد. در زمان مظفرالدین شاه، تعمیر کلی در ساختمان به عمل آمد و پشت شمس‌العماره، در بخش شمالی مجموعه دیوانخانه، عمارت «حرم‌خانه» ساخته شد. پس از روی کار آمدن حکومت پهلوی نیز، این مجموعه و به ویژه عمارت شمس‌العماره مقر والی آذربایجان بود و در میان مردم با نام «ساختمان ایالت»

شناخته می‌شد.

در سال ۱۳۱۲، به هنگام استانداری ادیب السلطنه سمیعی، عمارت شمس‌العماره به علتی نامعلوم در آتش سوخت و تا سال ۱۳۲۶ که ساختمان استانداری جدید بر روی آن ساخته شد، ویرانه‌های آن بر جا بود. عمارت حرمخانه نیز در سال ۱۳۴۸، تخریب و به جای آن ساختمان فرمانداری ساخته شد. در همین دوره، بخش شمالی خیابان شاهپور، از میدان شهرداری تا مقابل استانداری امتداد یافت و در محل برخورد آن با خیابان شاه‌بختی، در محل توپخانه قدیم میدان قیام (شهدای امروزی) در برابر استانداری و شهربانی شکل گرفت.

به دنبال این اقدامات، در آغاز دهه ۱۳۳۰، خیابان شهناز (شریعتی امروزی) از محله لیلوارو به شمال گشوده شد و بخش شمالی آن در بالای خیابان پهلوی تا دیک باشی امتداد یافت و به انتهای غربی خیابان تربیت و ابتدای راسته کوچه وصل شد. با احداث بخش شمالی خیابان شهناز، که دقیقاً از نقطه‌ای که پیش‌تر دروازه مهادمهین در آن قرار داشت، می‌گذرد، کلیسای پروتستان که در مسیر خیابان قرار گرفت و تخریب شد و بخشی از زمین آن در ضلع غربی خیابان باقی ماند. این کلیسا، بعدها در سال ۱۳۳۵ در نقطه دیگری در جنوب محله ارمستان از نو ساخته شد و در زمین باقیمانده از محل سابق آن در خیابان شهناز شمالی نیز، در سال ۱۳۴۲، مجموعه هتل و سینما آسیا (آذربایجان امروزی) احداث شد.

پس از رویدادهای مرداد ۱۳۳۲، در سال‌های میانی آن دهه، شمار دیگری از خیابان‌ها در محدوده مرکزی شهر کشیده شد. خیابان منصور از شمال امتداد یافت و با عبور از رودخانه به خیابان عباسی پیوست. خیابان دارایی در لبه شرقی مجموعه بازار، از خیابان شاه‌بختی تا کرانه جنوبی میدان چای کشیده شد و امتداد خیابان خاقانی در شمال رودخانه، با نام ثقة‌الاسلام تا بخش‌های مرکزی محله سرخاب احداث گشت.

در سال ۱۳۳۷، خیابان شمس‌تبریزی که شمالی‌ترین خیابان شرقی-غربی تبریز به شمار می‌رود، با عبور از محله‌های شتریان و امیرخیز، خیابان ثقة‌الاسلام را به پل و میدان منجم متصل کرد. در همین زمان خیابان ملل متحد (فلسطین امروزی) نیز، از میدان گوشه شمال شرقی باغ گلستان، به خیابان شمس‌تبریزی وصل شد. دروازه گجیل که تا این زمان پا برجا بود، با اینکه در لبه غربی خیابان ملل متحد و بیرون از حریم خیابان قرار می‌گرفت، در اثر بی‌توجهی مسئولان وقت شهرداری تخریب شد و از میان رفت. با ایجاد دو خیابان یاد شده، محدوده مرکزی و هسته تاریخی شهر در درون یک چهار ضلعی قرار می‌گیرد که مجموعه بازار، دقیقاً در بخش مرکزی آن جای دارد. این چهار ضلعی که خیابان‌های پهلوی سابق و خاقانی لبه‌های جنوبی و شرقی آن هستند و در لبه‌های شمالی و غربی با خیابان‌های شمس‌تبریزی و ملل متحد تعریف می‌شود، از سه لبه جنوبی، شرقی و غربی به محدوده هسته مرکزی مماس است ولی لبه شمالی آن با فاصله از هسته مرکزی قرار گرفته است.

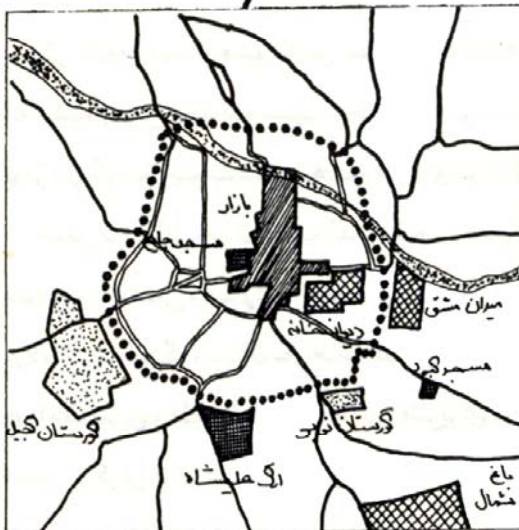
ساختار شهری جدید و ویژگی‌های آن

پیامد اصلی مجموعه خیابانکشی‌های یاد شده، تغییر ساختار ارتباطی شهر، از یک ساختار مبتنی بر حرکت پیاده و دارای هندسه ارگانیک، به یک ساختار دارای هندسه خطی منظم و مستقیم و مناسب حرکت سواره است. در این میان، نکته در خور تأمل، تفاوت کیفی اقدامات شهرسازی دوره پهلوی اول با اقدامات مشابه در دهه‌های بعدی است.

ایجاد خیابان‌های شهری در دوره پهلوی اول، از یک الگوی ساده ولی هدفمند پیروی می‌کند. در چارچوب این الگو، محور خیابان معمولاً با استفاده از مسیر گذرهای موجود تعیین می‌شود. این ویژگی، در خیابان‌هایی مانند منصور، خاقانی، تربیت و فردوسی به آسانی دیده می‌شود.

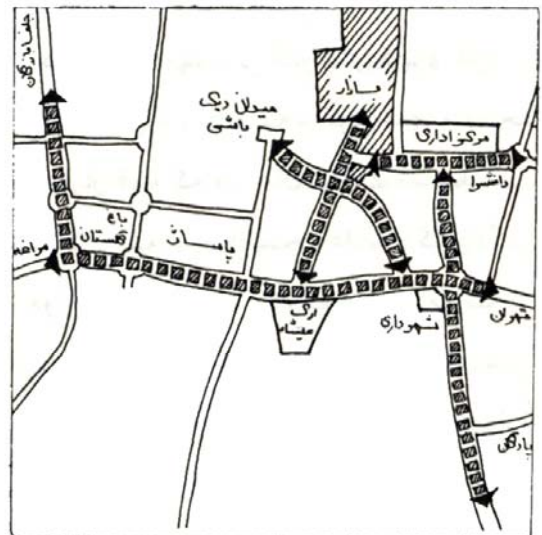
نکته با اهمیت دیگر کارکرد شهری معین خیابان در به هم پیوستن مراکز شهری مختلف و تأمین دسترسی برای آنهاست. به عنوان نمونه، خیابان شاهپور سابق، پادگان شهر را به مرکز اداری-سیاسی وصل می‌کند، خیابان فردوسی مسیر ارتباطی میان مجموعه بازار و ارگ علیشاه و فضاهای خدماتی پیرامون آن است و خیابان شاه‌بختی سابق (جمهوری امروزی) با عبور از مقابل مرکز اداری-سیاسی و تأمین دسترسی آن، ورودی بازار را به میدان دانشسرا و مراکز خدماتی پیرامون آن وصل می‌کند.

همین ویژگی را به نحو بارزی در مورد خیابان تربیت می‌توان یافت که به عنوان یک محور ارتباطی داخلی، ضمن انطباق کامل با مسیر گذر موجود، دو نقطه بسیار مهم، یعنی ساختمان ساعت (شهرداری) و دیک باشی را به هم پیوند می‌دهد.



کروکی شماره ۶- موقعیت فضاهای شهری در هسته

مرکزی ساختار تاریخی شهر



کروکی شماره ۵- ارتباط فضاهای شهری مهم از طریق

خیابانها

اقدامات شهرسازی و به ویژه احداث خیابان در دهه های بعدی اما، در اغلب موارد فاقد این ویژگی است. مسیر خیابان بدون توجه به بافت و عناصر موجود آن تعیین می شود و گذرهای موجود، در برخورد با خیابان پیوستگی خود را از دست می دهند. نمونه های این حالت را در خیابان های ثقة الاسلام، شمس تبریزی، ملل متحد و شهناز شمالی سابق، آشکارا می توان دید. این خیابان ها، ضمن ایجاد برش در بافت پیرامون در مسیر خود، گذرهای متعدد را با زوایای تند و بسته قطع می کنند و بلوک های شهری بد شکل به وجود می آورند.

شکل گیری مراکز و فضاهای شهر جدید

مجموعه بازار، همواره به عنوان مهم ترین کانون شهری در تبریز عملکرد داشته و موقعیت مراکز شهری دیگر، اگرچه به دلایل مختلف در طول تاریخ و در دوره های مختلف تغییر کرده، اما مکانیابی آنها همواره در رابطه با بازار صورت می گرفته است. با اهمیت ترین این مراکز شهری، مجموعه دیوانخانه یا مرکز قدرت سیاسی است که در برهه ای از تاریخ در بخش شرقی شهر (در حوالی محله ششگلان) قرار داشته، بعدتر در دوره حکومت آق قویونلو به بخش شمال رودخانه منتقل شده و مجموعه میدان صاحب آباد را در شمال بازار شکل داده و از دوره قاجار به این سو نسبت به مسجد جامع که چسبیده به مجموعه بازار و در جنوب غربی آن قرار دارد، به شکلی متقارن در جنوب شرقی بازار و چسبیده به آن مستقر شده است.

دیگر مراکز عمومی شهری تبریز نیز تا پیش از سده چهارده هجری، عمدتاً در هسته مرکزی و یا چسبیده به آن و در لبه محورهای ارتباطی اصلی شهر قرار داشته اند. مهم ترین کانونهای شهری تبریز را تا پیش از سده چهارده به شرح زیر می توان بر شمرد: باغ شمال در جنوب هسته مرکزی شهر؛ مسجد کبود در جنوب شرقی هسته مرکزی و در مجاورت محور بازار کهنه که در زمان ساخت مسجد کبود مهمترین محور ارتباطی شهر در بخش شرقی به شمار می رفته است؛ مسجدعلیشاه که یادگار پررونق ترین دوران تاریخ تبریز (دوره غازانی) است و از دوره قاجاریه به عنوان ارگ شناخته می شود؛ سربازخانه و میدان مشق که در شرق دیوانخانه قاجاری قرار داشته است و گورستانهای محله های شهر که مشهورترین آنها گورستان گجیل در جنوب غربی محدوده مرکزی و گورستان نوبر چسبیده به دروازه نوبر در گوشه جنوب شرقی هسته مرکزی بوده است. گورستان قدیمی چرنداب در جنوب ارگ علیشاه که مدفن بزرگانی چون قطب الدین محمودبن مسعود شیرازی، شمس الدین مظفر، ناصر الدین عبدالله مشهور به قاضی بیضاوی، سلمان ساوجی، خواجه عبدالله صیرفی و خواجه شمس الدین جوینی و... بوده است، و گورستان سرخاب که آرامگاه شاعران و بزرگانی چون خاقانی شروانی، اسدی طوسی، همام تبریزی، ظهیر فاریابی، قطران تبریزی و... است و مقبره سید حمزه که در گوشه شمال شرقی هسته مرکزی قرار داشته است.

از فضاهای شهری در مقیاس کلان که بگذریم، به فضاهای عمومی مراکز محله‌ای و عناصر خدماتی پیرامون آنها میرسیم. با اینکه بسیاری از فضاهای مرکز محله‌ای در طول زمان و در اثر اقدامات ساختمانی و تعریض معابر و غیره آسیب دیده و از بین رفته‌اند (نمونه مشخص آن از میان رفتن میدان انگج در اثر بازگشایی امتداد غربی خیابان جمهوری است). نمونه‌های جالبی چون میدان ویجویه، مرکز محله مقصودیه، میدان طرلان، میدان سرویجویه و غیره هنوز در میان محله‌های کهن برجا مانده است.

دگرگونی ساختار شهر در پی اقدامات شهرسازی در سال‌های پس از دهه ۱۳۰۰، زمینه شکل‌گیری فضاهای شهری جدیدی را فراهم آورد که از هر دو وجه عملکردی و کالبدی، از فضاهای شهری سنتی متفاوت بود. در بعد عملکردی، بافت شهر محل استقرار فعالیت‌هایی شد که بسیاری از آنها، زاده شیوه نوین زندگی در آن سوی مرزها بود و پیشینه چندانی نه تنها در تبریز بلکه در کشور نداشت. مهم‌ترین این فعالیت‌ها، آموزش به سبک نوین، فعالیت‌های خدماتی-تجاری و خدمات درمانی و اداری جدید بود که اگرچه در بناهای امروزی مستقر می‌شد اما مکانیابی آنها در بافت شهری از الگوی معینی پیروی نمی‌کرد. به عنوان نمونه هر جا که فضای باز یا به ویژه گورستان قدیمی متروکه‌ای وجود داشت، برای احداث مدارس جدید مورد استفاده قرار می‌گرفت.

اما در فراسوی تفاوت‌های عملکردی، سویه کاملاً آشکار تفاوت‌های میان فضاهای شهری قدیم و جدید، در شکل کالبدی دیگرگون ساختمان‌های جدید، که خیابان‌های احداث شده بستر مناسبی برای استقرار آنها بود، نمودار شد. در بافت‌های سنتی، فضای شهری که معمولاً به شکل میدانگاه بود، در محل برخورد چند گذر شکل می‌گرفت و در نمونه‌های سازمان‌یافته‌تر مانند میدان انگج، گذرهای منتهی به میدانگاه به بازارچه‌های سرپوشیده تبدیل می‌شد. مسجد یا تکیه، حمام و چند مغازه، عناصر اصلی فضای شهری بود که در پیرامون میدانگاه جای داشت و آن را شکل می‌داد.

در ساختار شهری جدید، با استقرار کاربری‌های گوناگون در دو طرف خیابان، معبر به صورت گونه‌ای فضای شهری فعال درآمد و سازمان کالبدی آن، از یک هسته کانونی واقع در تقاطع چند گذر، به یک فضای خطی راست و فراخ متحول شد. برخلاف فضای شهری سنتی، که در بیشتر نمونه‌ها ارزش صرفاً عملکردی داشت و در چارچوب درونگرایی معماری سنتی، فاقد بدنه‌سازی بود، در ساختار خطی فضای شهری جدید، بدنه‌های دو سوی گذر اهمیت یافت و به نشانه بازتاب ارزش گذر به عنوان فضای شهری، موضوع طراحی معمارانه قرار گرفت.

خیابان به مثابه فضای شهری، به عنوان پدیده‌ای غیربومی وارد شهر سنتی ایرانی شد. شهر تبریز، به واسطه موقعیت جغرافیایی و تاریخی ویژه خود، در این مورد نیز همانند موارد متعدد دیگر، یکی از نخستین شهرهای کشور بود که این پدیده جدید در آن استقرار یافت که خیابان‌های پهلوی سابق، تربیت و فردوسی نمونه‌های بارز این گونه فضای شهری جدید هستند.

ناگفته نماند که شکل‌گیری فضاهای شهری جدید (به ویژه سویه عملکردی آنها) در تبریز، چندی سال پیش از اقدامات مربوط به دوره پهلوی اول، آغاز شده بود. تبریز، به ویژه از نیمه سده سیزده هجری، به عنوان دومین شهر بزرگ کشور و شهر ولیعهدنشین، در هر دو زمینه بازرگانی و فرهنگی، پل ارتباطی ایران با قفقاز، عثمانی و اروپا به شمار می‌رفت. از این رو، هر پدیده جدیدی، خواه اندیشه‌های ضد استبدادی و آزادیخواهانه یا نمودهای فرهنگی و اجتماعی، حتی پیش از تهران، نخست در تبریز نضج می‌گرفت و سپس در جاهای دیگر منتشر می‌شد. به عنوان نمونه، نخستین مدرسه جدید ایران، توسط میرزا احسن رشدیه در سال ۱۳۰۶ق/۹-۱۸۸۸م در محله ششگلان تبریز بنیان گذارده شد. براساس آگهی‌هایی که در شماره‌های مختلف سال اول روزنامه انجمن تبریز^{۱۱} دیده می‌شود، در زمان یک ساله ۲۵-۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م، نزدیک به شش مدرسه به سبک امروزی در تبریز تأسیس شده بود. سه واحد از این مدرسه‌ها در بازار قرار داشته، سه مدرسه دیگر یکی در محله سرخاب، دیگری در محله چرنداب و سومی دبستان نوبر واقع در کوچه صدر بوده است.

نمونه‌های دیگر، تأسیس اولین کتابخانه به سبک نوین توسط محمدعلی تربیت در سال ۱۳۰۰ به نام کتابخانه تربیت و گشوده شدن کودکانستان باغچه اطفال توسط جبار باغچه‌بان در سال ۱۳۰۳ است. باز هم در روزنامه انجمن تبریز^{۱۲}، آگهی‌هایی در مورد مطب دکتر آتاناس در مهمانخانه محمدیه (در خیابان مجدیه) و دو داروخانه دیده می‌شود. یکی از این دو داروخانه به نام شفائیه در مقابل بانک استقراضی روس، در خیابان فردوسی شمالی (پیش از احداث خیابان) قرار داشته و توسط فرزند حاجی میرهادی موسس داروخانه مرکزی تأسیس شده بود.

در این میان اما، مهم‌ترین نمونه فضاهای شهری جدید، کوچه معروف به پاساژ - موضوع نوشته دیگر در این مجموعه - است که در بجزوچه مشروطیت شکل گرفته و به عنوان نخستین نمونه، هر دو سویه عملکردی و کالبدی فضاهای شهری جدید را در خود دارد و الگوی اولیه فضاهای شهری خیابان‌هایی چون تربیت و فردوسی به شمار می‌رود.

* شایان ذکر است که بخش مهمی از اطلاعات مندرج در این مقاله و مقاله مربوط به تغییرات محله «پاساژ» از طرف دانشمند ارجمند، آقای یحیی ذکاء در اختیار خوانندگان قرار گرفته است.

یادداشت‌ها

۱- نقشه دارالسلطنه تبریز، تهیه شده در سال ۱۲۹۷ قمری، خریطه تبریز، که در گرماگرم جنبش مشروطیت و در دوره استبداد صغیر تهیه شده است و مناطق تحت تصرف مشروطه خواهان و نیروهای استبداد را نشان می‌دهد، و نقشه هوایی سال ۱۳۴۷ ش، که براساس عکس هوایی سال ۱۳۴۳ و توسط سازمان نقشه برداری کشور تهیه شده است.

۲- برگرفته از توضیحات شفاهی و همچنین نوشته های پژوهشگر ارجمند آقای دکتر یحیی ذکاء که مشخصات پاره ای از آن ها در کتابشناسی پایان مقاله آمده است.

۳- روزنامه اطلاعات شماره ۴۷۸ مورخ ۱۳۰۷/۲/۱۰.

۴- روزنامه اطلاعات شماره ۶۲۳ مورخ ۱۳۰۷/۸/۱۵.

۵- روزنامه اطلاعات شماره ۱۲۷۵ مورخ ۱۳۰۹/۱۲/۱۶.

۶- روزنامه اطلاعات شماره ۱۳۸۶ مورخ ۱۳۱۰/۵/۲۰.

۷- روزنامه اطلاعات شماره ۱۸۱۹ مورخ ۱۳۱۱/۱۱/۱۱.

۸، ۹، ۱۰- روزنامه اطلاعات شماره ۴۶۱۳ مورخ ۱۳۲۰/۵/۱۱.

۱۱- روزنامه انجمن تبریز، جلد اول کتابخانه ملی ایران و استانداری آذربایجان شرقی، ۱۳۷۴.

۱۲- پیشین.

در تدوین این نوشته، علاوه بر مآخذ ذکر شده، نقشه ها و کتاب های زیر نیز مورد استفاده قرار گرفته است:

- تاریخ تبریز، پروفیسور و مینورسکی؛ مرآت البلدان، محمد حسن خان اعتماد السلطنه؛ تاریخ مشروطه، احمد کسروی؛ تاریخ هجده ساله آذربایجان، احمد کسروی؛ تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، نادر میرزا؛ آثار باستانی آذربایجان: جلد اول، ابنیه تاریخی شهرستان تبریز، عبدالعلی کارنگ؛ نامه هایی از تبریز، ادوارد براون؛ زمین لرزه های تبریز، یحیی ذکاء؛ تبریز و پیرامون، شفیق جوادی؛ تبریز از دیدگاه سیاحان خارجی در قرن هفدهم، اکرم بهرامی (دماوندی)؛ تبریز در گذر تاریخ، ایوب نیکنام و فریبرز ذوقی؛ «کوی های کهن»، سند دیرینگی و پابندگی شهر تبریز، یحیی ذکاء مجله ایران زمین، سال اول، شماره سوم، مهر ۷۱؛ «تبریز، شهری کهنسال با پیشینه ای پر ماجرا»، یحیی ذکاء مجله ایران زمین، سال اول، شماره یکم، اسفند